

بسم الله الرحمن الرحيم

فاجعة غوطه؛ تداوم روند جداسازی حق از باطل



(ترجمه)

تاریخ بشر هرگز شاهد نیرنگ‌ها و فجایع وحشتناکی که در این چند سال علیه مردم سوریه به راه‌انداخته شد، نبوده است. دلیل این توطئه و جنایات علیه مسلمانان سوریه، چیزی جز فریادهای حق‌خواهانه "ربی الله (پروردگار ما الله است)" چیزی دیگری نیست؛ فریادهای حق‌خواهانه‌ای که از مساجد و معابد (مکان‌های که الله سبحانه و تعالی در آن‌ها برکت نهاده)، بیرون شده و نوید بازگشت به دین الله سبحانه و تعالی را بلند کرده است.

این توطئه‌های فریب‌کارانه، اشکال و اسالیب مختلف را داشته و از آن‌جائی که انقلاب سوریه رهبر سیاسی مخلص نداشته و هم‌چنان نصیحت‌های اشخاص مخلص سیاسی را نشنیدند، بسیاری از توطئه‌چینی‌های دولت‌های استعمارگر کفری در آن اثر نموده که فرزندان امت مسلمه را فریب داده است، مخصوصاً رهبران گروه‌های مخالف دولت را، در حدی که بسیاری از آن‌ها نمی‌دانند که تیر را از زیر بغل دشمن بر پیکر امت زده، نقشه‌ها و اوامر آن‌ها را به اجرا گذاشته و آن‌ها را در توطئه‌شان یاری می‌کنند و از قربانی‌های با ارزش گروه‌ها، ابزار بی‌ارزشی برای تحقق اهداف خیالی-که این گروه‌ها برای خودشان تعیین نموده و جنایتکاران برای آن‌ها وعده داده‌اند- می‌سازند و این وعده‌ای است که در حقیقت شیطان می‌دهد و جز فریب چیزی بیش نیست.

بسیاری از مناطقی، مانند: حمص الولید و مناطق ساحلی و گذرگاه استراتژی، سپس حلب و مناطق فرات، شهرها و مناطق دوردست صحرائی آن و مناطق حومه حماة و ادلب، سپس مناطق غوطه غربی و شرقی، که نظام و قوت‌های همکار سوریه از شکست آن‌جاها عاجز بودند، توانستند به تصرف خود در آورند. دلیلش اینست که همه این حوادث و هریک از عملیاتی که هرگز به قوت نظام

و هم‌پیمانانش نبوده؛ زیرا آن‌ها عاجزتر از آن بودند که به توانائی خودشان-نقطه‌ که به صدق و اخلاص از آن دفاع صورت گیرد، تحت تسلطشان در آورند که تاریخ انقلاب، گواه آن است. زمانی که مناطق حلب، فرات و صحراهای آن تسلیم دشمن شدند، دشمن نمی‌توانست یک متر هم در وسط جوبر پیشروی نماید، شهری که چند میل از قصر ریاست جمهوری بیشتر فاصله نداشت، اما زمانی که دستور حکام خاین بالای رهبران گروه‌ها داده شد، گروه‌های مخالف منطقه جوبر و اطراف آن را به یک چشم‌زدن و یک اشاره تسلیم دولت نمودند.

به همین شکل جنوب سوریه از اثر این خیانت‌ها به دست دشمن افتاد. طورمثال: زمانی که نظام سوریه علاوه از شبه‌نظامیان فرقه‌ای، پشتیبانی هوائی روسیه و هم‌پیمانانش را در سه جبهه بزرگ تحت نام (جبهه چهارم، پنجم و پانزدهم) در جنگ منشیه در منطقه درعا جمع کرد، هرگز نتوانست یک متر پیشروی کند، بلکه برعکس آن انقلابیون بخش مهمی را از منشیه آزاد ساختند. اما از جهت دیگر دیدیم که نظام سوریه مناطق دیگری مثل: خربه غزاله که یک منطقه استراتژیک است و هم‌چنان منطقه شیخ مسکین و مناطق دیگر در مثلث الموت را بسیار به آسانی تحت تسلط خود درآورد که به جز جنگ‌های خیالی هیچ مقاومتی صورت نگرفت.

پس در جنگ‌هایی که نظام سوریه مناطق بسیاری را گرفته، به معنی این نیست که این نظام به قوت و نیروی قبل از انقلاب برگشته، بلکه به معنی این است که هرباری با گروهی از رزمندگان مخلص و آزاده مواجه گردید، شکست و عاجزی آن آشکار شد، و این اتفاق در تمام مناطقی جنگی به شمول غوطه افتاد است. زمانی که گروهی از رزمندگان مخلص بر جنگ تا سرحد شهادت تعهد بستند، توانستند که اردوی نظام سوریه را از شهر مسربا عقب زده و ده‌ها کشته از آن‌ها برجا گذارند.

عاملی که باعث شکست غوطه و تسلیمی آن گردید، چیزی است که بعضی از انقلابیون به آن اقدام نمودند و آن نقش تعدادی از علمای سوء، از جمله: بسام ضفدع- که بسیار نقش خطرناک را برای گروه‌ها و از بین بردن مردم و تسلیم نمودن‌شان برای جلاذ زمان بازی کرد، می‌باشد. حقیقتی که لازم است در مورد دیگر مناطق بدانیم، اینست که مثل بقه‌های انقلاب‌شکن غیر از داخل آب‌های متوقف و گندیده، رشد و تکثر نمی‌کنند؛ آب‌های گندیده‌ای که مجاهدین در آن مشغول شده و از جهاد باز ماندند و نهایتاً ریشه تمام جبهات را خشکانید، چنان‌چه این حادثه در جنوب و شمال سوریه اتفاق افتاده و باهم درگیر جنگ حرام در بین خودشان بوده و دشمنان‌شان را فراموش نمودند.

لهذا لازم است تا نماینده‌گان آگاه و واقعی امت، برای خود رهبری سیاسی آگاه انتخاب نمایند؛ رهبری سیاسی اسلامی که نظام اسلام را برای نجات امت حمل می‌نمایند. شکی نیست که هیچ گروه و جماعتی در بین امت نیست که برنامه‌ای منسجم و همه‌جانبه برای نجات امت از این وضعیت اسف‌بار داشته باشد؛ مگر حزب التحریر. امت در طول مدت طولانی پشت سرابی رفتند که آن را آب می‌پنداشتند تا شاید به زعم‌شان این سراب آن‌ها را سیراب سازد؛ اما ازین سراب چیزی به دست نیاوردند تا تشنگی‌شان مرفوع گردد و به دلیل بی‌اعتمادی، که تمام وجودشان را فرا گرفته، به نصیحت‌های فرزندان مخلص‌شان گوش ندادند، ناصحین

مخلصی که امت را از مصیبت‌های موجوده بیم داده و از آتش‌بس‌ها و گفتگوهای شیاطین انسی، که به نظرشان آن‌ها را به صلح نزدیک می‌سازد، نیز بیم دادند. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾

[هود: 113]

ترجمه: به آن‌هایی که ظلم کردند، نزدیک نشوید و سرنوشت‌تان را به آن‌ها مسپارید، که اگر چنین کنید، به آتش دوزخ گرفتار می‌شوید و آنگاه جز الله (سبحانه و تعالی) هیچ یار و یاروی ندارید و هیچ کسی شما را یاری نمی‌رساند.

هم‌چنان فرزندان مخلص امت را از گفتگوهای فریبنده، وابستگی به دولت‌های کفری و همکاران‌شان از حکام مسلمین و مال‌های سیاسی کثیف هشدار دادند، اما آن‌ها به این نصیحت‌های مخلصانه گوش نداده در پشت وسواس شیاطین رفتند و این را یک فرصتی برای مصلحت‌عنوان کردند که به زعم‌شان به مصلحت انقلاب بود، ولی نتیجه خلاف انتظارشان چیزی است که می‌بینیم، جز تسلیمی سرزمین‌ها، زیرپا شدن خون‌ها و آبروها چیزی بیش نیست که به دستور دولت‌های متحد و مجرم صورت گرفته باشد. نصیحت‌گران مخلص پیوسته هشدار می‌داند که این وابستگی‌ها، در حقیقت دامی است که دولت‌های بزرگ برای تسلط کامل بر سرزمین‌های اسلامی و امت، پهن نموده‌اند و ما را به یاد مذاکرات یهود و کشتار آن‌ها و آن‌چه که بالای مسلمانان رخ داده است، می‌اندازد.

اما آن‌ها به این نصیحت‌های دلسوزانه‌شان گوش نداده و به‌طرف کنفرانس ژینو، ویانا، آستانه، مسکو و ریاض رفتند که نتیجه این کنفرانس‌ها هم همین حالت دردناکی می‌باشد که بالای امت مسلمة امروزه آمده است. این قضایا نشان داد که سازمان ملل، آشکارا با امت اسلامی دشمنی نموده و از همه جنایاتی که تاریخ مثل آن را هنوز ندیده، چشم‌پوشی کرده است و حضورش در منطقه تنها به این هدف بوده تا مناطق مجاهدین و شفاخانه‌های مسلمانان را شناسایی و گزارش آن را به روس‌ها جهت هدف قرار دادن آن‌ها بدهند؛ چنان‌چه طبق گزارش رادیو اورینت از روزنامه انگلیسی در غوطه این اتفاق افتاد.

حالا وقت آن رسیده که امت مسلمة به نصیحت‌های مخلصانه و دلسوزانه فرزندان خود گوش دهند، فرزندان مخلصی که در برابر این نصیحت خویش، جز خیر و مصلحت برای امت چیز دیگری را نمی‌خواهند. آنانی که در این کنفرانس‌ها شرکت نمودند، تا اکنون چیزی جز ستم بر امت کاری را انجام ندادند. برعکس باعث شدند که مسلمانان را در بلاهای پی‌درپی دچار سازند؛ چون بدون دانش سیاسی و آگاهانه، دست به این اقدام زدند و حتی گمان کردند که نظام مجرم روسیه که دستش به خون مسلمانان آلوده است، ضامن حفظ خون، آبرو و سرنوشت مسلمانان بوده و به قتل و کشتار در بین خودشان نیز دست زدند. اما این مرحله در حقیقت مرحله‌ای برای تفکیک مؤمنین صادق از خائنین بود. چنان‌چه سنت الله سبحانه و تعالی بر این است، طوری که رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر داده، مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند و انشاء الله که مسلمانان غوطه از گروه ایمان و مؤمنین به شمار می‌روند.

در اخیر نیاز است تا حقیقت موضوعی را که در نزد بعضی‌ها پنهان مانده، روشن سازیم و آن این که انقلاب مبارک سوریه متعلق به یک شهر و یک گروه نبوده، بلکه این انقلاب در بین امت تولد شده و به اذن الله سبحانه و تعالی تا زمانی که به ثمر ننشیند و به هدف نرسد، خاموش نمی‌گردد. هدف از این انقلاب برداشتن ظلمی است که بالای امت اسلامی تحمیل گردیده، اما آن چه که هدف این انقلاب را مخدوش ساخته، چیزی است که بسیاری از فسادپیشه‌گان و انسان‌های ضعیف‌النفس خواستند تا این انقلاب را در نطفه خفه ساخته و شعارهای امت را به خاطر راضی ساختن کفار از مسیرش منحرف سازند. یقیناً این انقلاب دوامدار بوده علاوه از خفاش‌های (حکام) سرزمین‌های اسلامی، کاخ سیاه و سرخ را به لرزه درآورد است. اگر این انقلاب رهبری سیاسی از فرزندان مخلص خود را در پهلوی خود می‌داشت، چه کار می‌شد؟! رهبری سیاسی و مخلصی که انقلاب را به طرف هدف اصلی و رضایت الله سبحانه و تعالی و رسولش صلی الله علیه وسلم سوق داده و خلافت برمنهج نبوت را برپا می‌نمود؛ خلافتی که الله سبحانه و تعالی بشارت داده و فرموده است:

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيباً﴾

[اسراء: 51]

ترجمه: می‌گویند پیروزی کی خواهد بود؟ بگو نزدیک است.

نویسنده: داکتر محمد حورانی

17 رجب 1439 هـ.ق

4 اپریل 2018 م